

دفترچه سؤال



سوم و چهارم دبستان



۲ آبان ۱۴۰۴

خواندن برآگ فهمیدن
زمان کل آزمون، ۹۰ دقیقه

مستندسازی ویراستاران	مستندسازی	ویراستار آزمون	مستندسازی و طراح سؤال	گزینشگران و ویراستاران
الناز معتمدی، مژده ابراهیمی	فریبا رئوفی	امیرحسین چمنی راد علیرضا چمنی راد	سارا ابراهیمی	

علی مرشد	مدیر تولید آزمون	گروه فنی تولید
امیرحسین اسدی	مسئول دفترچه‌ی آزمون	
فرناز برانی پورفرده	گرافیک و تصویرگر	
زهرا سلطانی	امور کامپیوتری و صفحه‌آرا	
محیا اصغری	مدیر گروه مستندسازی	
فریبا رئوفی	مسئول دفترچه‌ی مستندسازی	
حمید عباسی	ناظر چاپ	





در جنگلی سبز و زیبا، زاغی زندگی می‌کرد.
زاغ، پره‌های سیاه و برآقی داشت و روی شاخه‌ی درختی بلند،
لانه‌ای برای خودش ساخته بود.

هر روز صبح با آواز خود جنگل را بیدار
می‌کرد، اگر چه آوازش زیاد خوش‌آهنگ نبود، اما خودش
فکر می‌کرد که زیبا می‌خواند!

یک روز صبح، زاغ در حال پرواز در نزدیکی خانه‌های یک روستا بود که ناگهان بوی خوشی به مشامش
رسید. پایین را نگاه کرد و دید تکه‌ای پنیر تازه روی دیوار خانه‌ای افتاده است. زاغ به پایین پرید، پنیر را با
نوکش برداشت و پرواز کرد تا آن را در لانه‌اش بخورد.

در همان نزدیکی، روباهی زیر درختی دراز کشیده بود. شکمش از گرسنگی قار و قور می‌کرد. وقتی چشمش
به زاغ و پنیر افتاد، آب از دهانش راه افتاد. با خودش گفت: «این زاغ یک تکه پنیر خوشمزه دارد، اما من
نمی‌توانم از درخت بالا بروم. باید راهی پیدا کنم تا او را وادار کنم که خودش پنیر را رها کند.»
روباه زیرک لبخندی زد و آرام به سوی درختی که زاغ روی آن نشسته بود، رفت. نگاهی به زاغ کرد و با
صدای بلند گفت:

«وای! چه پرنده‌ی زیبایی! من تا حالا پرنده‌ای با پره‌های به این برآقی ندیده‌ام! راستی، شنیده‌ام آوازت هم
بی‌نظیر است. آیا برای من کمی آواز می‌خوانی؟ دلم می‌خواهد صدای قشنگت را بشنوم.»



زاغ که از شنیدن این تعریف‌ها خوشحال شده بود، سرش را بالا گرفت و با غرور فکر کرد: «بالاخره یکی پیدا شد که قدر صدای من را بداند!»

او که هنوز پنیر را در نوکش داشت، خواست آواز بخواند. به محض اینکه دهانش را باز کرد، پنیر از نوکش به پایین افتاد!

روباه، سریع پنیر را با دهانش برداشت و خندید. گفت: «دوست من، اگر می‌خواهی چیزی را از دست ندهی، نباید فریب تعریف‌های بی‌دلیل دیگران را بخوری!»

زاغ که تازه فهمیده بود چه اشتباهی کرده، غمگین و خجالت‌زده شد. با خودش گفت: «چه حیفا! من فقط به خاطر چند جمله‌ی قشنگ، غذایم را از دست دادم.»

از آن روز به بعد، زاغ دیگر به هر کسی که از او تعریف می‌کرد، بی‌دلیل اعتماد نمی‌کرد. او یاد گرفت که گاهی در پشت حرف‌های قشنگ، نیت‌های بدی پنهان می‌شود.



خواندن برای فهمیدن

سؤالات داستان روباه و زاغ

۵

۱- چرا زاغ فریب روباه را خورد؟

(۱) چون گرسنه بود.

(۲) چون تعریف‌ها را باور کرد.

(۳) چون می‌خواست آواز بخواند.

(۴) چون از روباه ترسید.

۲- منظور روباه از جمله‌ی «اگر چیزی را نمی‌خواهی از دست بدهی، فریب تعریف‌های بی‌دلیل را نخور، چیست؟

(۱) زاغ نباید غذا می‌خورد.

(۲) زاغ باید آواز بهتر می‌خواند.

(۳) زاغ نباید ساده لوح باشد و به هر کسی اعتماد کند.

(۴) زاغ باید روباه را از خود دور می‌کرد.

۳- واژه‌ی «فریب» در کدام گزینه معنی درستی دارد؟

(۱) کمک کردن

(۲) گول زدن

(۳) آواز خواندن

(۴) منتظر بودن

۴- چه شباهتی بین جنگل و دنیای انسان‌ها در این داستان از لحاظ بار اخلاقی دیده می‌شود؟

(۱) در هر دو آواز خواندن مهم است.

(۲) در هر دو، اعتماد نابجا باعث دردسر می‌شود.

(۳) روباه‌ها در هر دو وجود دارند.

(۴) همه‌ی حیوانات دروغگو هستند.



۵- جمله‌ی «آب از دهان روباه راه افتاد» چه حسی را می‌تواند نشان دهد؟

- (۱) تعجب
- (۲) خشم
- (۳) گرسنگی
- (۴) خوشحالی

۶- روباه با تعریف دروغینش در این داستان نماد چه صفتی بود؟

- (۱) شجاعت
- (۲) حيله گری
- (۳) ترسو بودن
- (۴) تنبلی

۷- زاغ چه چیزی در دهانش داشت؟

- (۱) نان
- (۲) گوشت
- (۳) پنیر
- (۴) گردو



۸- چرا روباه به زاغ نزدیک شد؟

- (۱) چون می‌خواست دوست پیدا کند.
- (۲) چون می‌خواست آوازش را بشنود.
- (۳) چون به دنبال غذا بود.
- (۴) چون درخت را دوست داشت.

۹- چرا زاغ به روباه اعتماد کرد؟

- (۱) چون او را از قبل می‌شناخت.
- (۲) چون فکر کرد روباه واقعا صدای او را دوست دارد.
- (۳) چون از شکار شدن توسط روباه ترسید.
- (۴) چون تنها دوستش روباه بود.

۱۰- کدام مفهوم از داستان «روباه و زاغ» برداشت نمی‌شود؟

- (۱) بی دلیل اعتماد نکنیم.
- (۲) با همه دوستی کنیم.
- (۳) ساده لوح نباشیم.
- (۴) غرق غرور خود نشویم.

۱۱- لانه‌ی زاغ کجا قرار داشت؟

- (۱) روی زمین
- (۲) روی بوته‌ای کوتاه
- (۳) روی شاخه‌ی درختی بلند
- (۴) روی لانه‌ی روباه

۱۲- چرا روباه از راه تعریف وارد شد؟

- (۱) چون راستگو بود.
- (۲) چون نمی‌توانست پرواز کند.
- (۳) چون احتمال می‌داد که زاغ فریب بخورد.
- (۴) چون دوست زاغ بود.

۱۳- کدام کلمه معنای دورتری از واژه‌ی «زیرک» دارد؟

- (۱) باهوش
- (۲) زرنج
- (۳) کوچک
- (۴) هوشمند

۱۴- «زاغ پرهای سیاه و برآقی داشت» - واژه‌ی «برآقی» یعنی چه؟

- (۱) سنگین
- (۲) مشکی
- (۳) درخشان
- (۴) نرم

۱۵- متضاد واژه‌ی «غرور» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) شادی
- (۲) فروتنی
- (۳) تنبلی
- (۴) دروغ



سینا پسری کنجکاو و باهوش بود که از انجام آزمایش‌های علمی لذت می‌برد. یک روز در کتابخانه‌ی مدرسه، کتابی به نام «باغ‌های شیشه‌ای» پیدا کرد و آن کتاب را مطالعه کرد. در کتاب نوشته شده بود که می‌توان داخل یک شیشه، گیاه کاشت و نیازی نیست که آن گیاه هر روز آب داده شود. نحوه‌ی کاشت و دستورالعمل کامل آن نیز در این کتاب آورده شده بود.

سینا تصمیم گرفت طبق آن کتاب برای خودش یک باغ شیشه‌ای بسازد. یک شیشه‌ی بزرگ پیدا کرد، ته آن کمی سنگ‌ریزه ریخت، بعد خاک گلدان و آب ریخت و در آخر چند بذر کوچک گل کاشت. روی آن را با یک در شیشه‌ای محکم بست. او این شیشه را پشت پنجره‌ی اتاقش گذاشت تا نور کافی بگیرد.

چند روز بعد، بذرها شروع به جوانه زدن کردند. اما یک سؤال بزرگ ذهن سینا را به خود مشغول کرده بود و آن این بود که: «چطور ممکن است این گیاهان بدون اینکه روزانه آبیاری شوند، زنده بمانند؟»





او دوباره به کتابخانه رفت و کتاب‌های بیشتری در این زمینه پیدا کرد. پس از بررسی این کتاب‌ها متوجه شد که در باغ شیشه‌ای، آب اولیه‌ای که به گیاه داده بود بخار می‌شود، روی دیواره‌های شیشه جمع شده و سپس دوباره به خاک برمی‌گردد. این فرآیند را چرخه‌ی آب می‌نامند. گیاهان هم با کمک نور خورشید، به کمک آب و هوا، غذا درست می‌کنند که نام این فرآیند، فتوسنتز است. سینا فهمید که در شیشه یک دنیای کوچک ساخته که مثل زمین کشاورزی کار می‌کند. او تصمیم گرفت این پروژه را در مدرسه نمایش بدهد. همه‌ی بچه‌ها و معلم‌ها از دیدن باغ شیشه‌ای‌اش شگفت‌زده شدند. معلم علوم گفت: «سینا، تو با ساختن این باغ، به ما نشان دادی که طبیعت چقدر هوشمندانه کار می‌کند!»

سینا لبخند زد و گفت: «حالا می‌خواهم یک باغ شیشه‌ای بزرگ‌تر بسازم، شاید روزی بتوانیم در حیاط مدرسه هم باغ شیشه‌ای بزرگ بسازیم!»





سوالات داستان

۱۶- سینا چه چیزی در کتابخانه پیدا کرد؟

- (۱) یک کتاب داستان
- (۲) یک کتاب علمی
- (۳) یک نقاشی
- (۴) یک مجله‌ی ورزشی

۱۷- باغ شیشه‌ای چیست؟

- (۱) باغی در وسط جنگل است.
- (۲) باغی که با شیشه تزئین شده است.
- (۳) باغی کوچک درون شیشه که نیازی به آب دادن روزانه به گیاهان ندارد.
- (۴) باغی که گیاهانش فقط در زمستان رشد می‌کند.

۱۸- سینا برای ساخت باغ شیشه‌ای، اول چه چیزی در ته شیشه ریخت؟

- (۱) خاک گلدان
- (۲) بذر
- (۳) آب
- (۴) سنگ‌ریزه

۱۹- چرا سینا در شیشه را بست؟

- (۱) تا چرخه‌ی آب درون شیشه شکل بگیرد.
- (۲) تا نور داخل نرود.
- (۳) تا گرد و خاک و حشرات وارد باغ نشوند.
- (۴) چون گیاهان به هوا نیاز ندارند.



۲۰- گیاهان در باغ شیشه‌ای چگونه زنده می‌مانند؟ در مسیر موفقیت

- (۱) با آب و غذای انسانی
- (۲) با باران مصنوعی
- (۳) با هوای سرد
- (۴) با چرخه‌ی آب و نور خورشید

۲۱- «فتوستتز» به چه معناست؟

- (۱) تبدیل خاک به برگ
- (۲) ساخت غذا توسط گیاه به کمک نور خورشید
- (۳) تبدیل گیاه به آب
- (۴) تولید نور از گیاه

۲۲- کدام کلمه از لحاظ معنایی به «چرخه» نزدیک‌تر است؟

- (۱) وسیله‌ی نقلیه
- (۲) گردش
- (۳) دوچرخه
- (۴) رشد

۲۳- سینا باغ شیشه‌ای‌اش را کجا گذاشت؟

- (۱) روی زمین
- (۲) در یخچال
- (۳) پشت پنجره
- (۴) در حیاط

۲۴- در رابطه با سؤال قبل چرا این جا برای نگهداری باغ شیشه ای انتخاب شد؟

- (۱) برای خنک ماندن گیاه
- (۲) برای آب دهی منظم به گیاه
- (۳) برای نور گرفتن گیاه
- (۴) برای تعویض منظم خاک گیاه

۲۵- در پایان داستان، سینا چه تصمیمی گرفت؟

- (۱) باغ شیشه‌ای بزرگ‌تری بسازد.
- (۲) آن را به معلمش هدیه بدهد.
- (۳) باغ شیشه‌ای را به مدرسه اهدا کند.
- (۴) گیاهان را از باغ شیشه‌ای خارج کرده و در باغچه بکارد.

۲۶- چه کسی سینا را بابت ساختن باغ شیشه‌ای تحسین کرد؟

- (۱) برادرش
- (۲) معلم علوم
- (۳) پدرش
- (۴) کتابدار کتابخانه

۲۷- سینا از کجا اطلاعات علمی درباره‌ی باغ شیشه‌ای به دست آورد؟

- (۱) فیلم
- (۲) معلم پرورشی
- (۳) کتابخانه
- (۴) معلم علوم

۲۸- در ساخت باغ شیشه‌ای پس از بستن درب شیشه کدام اتفاق دیرتر از سایر گزینه ها رخ داد؟

- (۱) بخار شدن آب
- (۲) تبدیل بخار آب به قطرات آب
- (۳) ظاهر شدن قطرات آب روی دیواره‌ی شیشه‌ی باغ
- (۴) بازگشت قطرات آب از دیواره به داخل خاک

۲۹- داستان درباره‌ی چه موضوع علمی‌ای بود؟

- (۱) زمین‌لرزه
- (۲) گردش خون
- (۳) چرخه‌ی آب
- (۴) حیوانات جنگل

۳۰- چرا باغ شیشه‌ای شبیه یک دنیای کوچک است؟ (بهترین گزینه را انتخاب کنید).

- (۱) چون هوشمند بودن طبیعت را یادآوری می‌کند
- (۲) چون همه‌ی فرآیندهای طبیعت در آن ملاحظه می‌شوند
- (۳) چون در آن تمامی موجودات زنده قرار دارند
- (۴) چون ساخت آن به سادگی صورت گرفت.